خبر

هشدار درخصوص افزایش پرونده‌های قضایی

رئیس قوه قضائیه یکی از چالش‌های دستگاه قضایی را ورود حداقل پنج تا شش میلیون پرونده در سال به دستگاه قضایی دانست. به گزارش ایسنا، آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات مساجد با بیان این مطلب گفت: متاسفانه ورود پرونده رو به فزونی است که اگر بحث صلح و سازش به صورت جدی به ویژه در مساجد سراسر کشور پیگیری شود، حتماً از بار سنگین دستگاه قضایی کاسته خواهد شد. رئیس قوه قضائیه در ادامه به ورود اندیشه‌های نادرست و پیش‌فرض‌های علوم انسانی غرب به دانشگاه‌ها هشدار داد و تاکید کرد: ما نه‌تنها با علوم انسانی و تکاپوی آن مخالف نیستیم بلکه اصل دین ما استوار بر کتاب مقدسی است که سراسر آن را مفاهیم معرفتی به ویژه معرفت نفس، فرا گرفته است.

به انجمن حجتیه مجوز نمی‌دهیم

مدیرکل سیاسی وزارت کشور گفت: «هیچ کسی از سوی انجمن حجتیه به وزارت کشور تقاضای مجوز نداده است و تاکنون چنین تقاضایی در وزارت کشور ثبت نشده است.» به گزارش ایسنا محمود عباس‌زاده‌مشکینی درباره انتشار اخباری مبنی بر تقاضای مجوز از سوی انجمن حجتیه اظهارکرد: «انتشار خبر در این زمینه باعث می‌شود این انجمن تشویق شود که برای دریافت مجوز اقدام کند.» وی همچنین در پاسخ به اینکه در صورت مراجعه این انجمن آیا شما به آنان مجوز می‌دهید، اظهار کرد: «خیر.»

تاکید آیت‌الله مقتدایی بر استقلال حوزه

مدیر حوزه‌های علمیه با تاکید بر لزوم حفظ استقلال حوزه تصریح کرد: استقلال حوزه را به هیچ قیمتی از دست نمی‌دهیم و سر سوزنی هم اجازه نمی‌دهیم خدشه‌ای به این استقلال وارد شود. به گزارش ایسنا، آیت‌الله مرتضی مقتدایی شب گذشته طی سخنانی در نشست دوره‌ای استادان سطوح عالی و خارج فقه حوزه علمیه قم با اشاره به مطلب فوق گفت: کمک‌های دولت به حوزه، تنها مربوط به تعمیر و تجهیز مدارس است، وگرنه اداره حوزه با مراجع عظام تقلید و از طریق وجوهات شرعی است.

انتصاب دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت

به گزارش فارس اسفندیار رحیم‌مشایی، محمدحسن صالحی‌مرام را با حفظ سمت به عنوان دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت منصوب کرد. در حکم مشایی برای دبیر جدید شورای اطلاع‌رسانی دولت با اشاره به ضرورت سیاستگذاری موثر در چارچوب تاکیدات مقام معظم رهبری و ریاست‌جمهوری و نیز مصوبه هیات وزیران مبنی بر ضرورت تمرکز مدیریت اطلاع‌رسانی دولت، بر هماهنگی بخش‌های مختلف اطلاع‌رسانی دولت به ویژه ادارات کل روابط عمومی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها با شورای اطلاع‌رسانی دولت به منظور سرعت‌بخشی و بهبود هرچه بیشتر جریان اطلاع‌رسانی دولت تاکید شده است.

اظهارات مشایی در کمیسیون امنیت ملی

عوض حیدرپور عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به اظهارات اخیر اسفندیار رحیم‌مشایی در خصوص انسان، خدا و مکتب ایران اظهار داشت: اظهارات مشایی در کمیسیون امنیت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. وی با اشاره به تلطیف سخنان وی از سوی رئیس‌جمهوری تاکید کرد در صورت لزوم مشایی جهت پاسخگویی به سوالات نمایندگان به کمیسیون امنیت احضار می‌شود.

عدلیه

دو نشریه ۲۴ مردادماه در دادگاه

شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران یکشنبه هفته آینده به پرونده‌های «ابرار» و «نسل امروز» رسیدگی می‌کند. به گزارش ایسنا در ادامه رسیدگی به پرونده‌های مطبوعاتی در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران، قاضی مدیرخراسانی بیست و چهارم مردادماه را برای رسیدگی به پرونده‌های «ابرار» و «نسل امروز» تعیین کرده است. پرونده روزنامه ابرار به اتهام توهین و افترا رسیدگی می‌شود و پرونده هفته‌نامه نسل امروز با شکایت مدعی‌العموم به اتهام انتشار تصاویر خلاف شئون اسلامی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

درخواست از رئیس قوه قضائیه

مسعود کردپور دبیر آموزش و پرورش که پیش از این به یک سال حبس محکوم شده بود، در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه خواستار رسیدگی مجدد به پرونده قضایی‌اش شد. وی در این نامه خطاب به رئیس قوه قضائیه نوشته است: «اینجانب مسعود کردپور دبیر آموزش و پرورش در شهرستان بوکان با ۲۲ سال سابقه تدریس در دبیرستان‌های کشور در تاریخ ۱۷ مردادماه سال ۸۷ بازداشت و به اتهام انتقاد از برخی مسوولین محلی و به جرم تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس محکوم شدم. مجازات اعمال‌شده توسط دادگاه انقلاب علیه اینجانب فقط یک سال حبس بوده و هیچ‌گونه محرومیت اجتماعی دیگری اعمال نشده است و آن را نیز تحمل کرده‌ام.» وی در ادامه این نامه آورده است: «متاسفانه هیات رسیدگی به تخلفات اداری به استناد همان حکم صادره توسط دادگاه انقلاب و به استناد ماده ۳۷ تخلفات اداری که مربوط به اتهام محاربه و عضویت، طرفداری یا فعالیت به نفع گروه‌های محارب می‌باشد و هیچ‌گونه انطباقی با ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی که مربوط به تبلیغ است ندارد، اینجانب را به بازخرید خدمت محکوم نموده است و حکم صادره توسط شعبه ۲۱ دیوان عدالت اداری و بدون هیچ‌گونه بررسی و در عرض دو هفته تایید شده است لذا با توجه به موارد ذکرشده خواهشمند است به هر ترتیب ممکن دستورات لازم را جهت بررسی مجدد پرونده و بازگشت به کار اینجانب صادر فرمایید.»

محکومیت علی اعجمی به چهار سال زندان

علی اعجمی دانشجوی دانشگاه تهران به چهار سال زندان محکوم شد.وی به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال زندان و به اتهام تبانی علیه نظام به سه سال زندان محکوم شد که جمعاً به چهار سال حبس تعزیری محکوم شده است.علی اعجمی دانشجوی دانشگاه تهران ۲۰ بهمن‌ماه دستگیر و بازداشت شد.

نگاهی جامعه‌شناختی به اولین قانون مطبوعات در ایران

قانونی برای همه‌کس و هیچ‌کس

کامبیز نوروزی

قانون مطبوعات، ششمین قانونی است که تاریخ حقوق موضوعه ایران به خود دیده است. بعد از آنکه قانون اساسی مشروطه و در پی آن متمم همین قانون از تصویب گذشتند، نظام پارلمانی، با تاسیس نخستین مجلس شورا، در ایران متولد شد و فرآیند وضع قوانین عادی را آغاز کرد.

اولین و دومین مصوبات مجلس عبارت بودند از: «نظامنامه انتخابات اصنافی» و «نظامنامه داخلی دارالشورا (مجلس شورا) ملی ایران». قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، قانون بلدیه (شهرداری) و قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام، مصوبات بعدی همین مجلس را تشکیل می‌دادند. در هجدهم بهمن ۱۲۸۶، یعنی فقط ۱۹ ماه پس از پیروزی انقلاب مشروطه، و در اولین روزهای حیات پارلمان در ایران، موضوع «مطبوعات» تقریباً جلوتر از انبوه موضوعات متعدد پیچیده و غامضی که کل جامعه ایران با آنها درگیر بود، توجه اولین نمایندگان ملت را به خود جلب کرد و به تصویب «قانون مطبوعات» انجامید؛ قانونی که پایه بر متمم قانون اساسی داشت. اصل بیستم متمم اعلام می‌داشت «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است...» و در اصل ۷۹ نیز با شناسایی مفهوم جرم مطبوعاتی و هیات‌منصفه آمده بود: «در موارد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیات منصفه در محاکم حاضر خواهد بود.» یعنی جرم مطبوعاتی باید با حضور هیات‌منصفه رسیدگی شود.

قانون مطبوعات ۱۲۸۶ صراحتاً کتاب و نشریات ادواری (روزنامه و...) را دربر می‌گرفت. ابتنا بر آزادی داشت و امید آن می‌رفت که پس از تصویب آن، مطبوعات و آزادی آنها در جامعه ایران رواج و ثبات یابد. اما چنین نشد. همان‌گونه که این امید در مورد خود قانون اساسی مشروطه و متمم آن و بسیاری قوانین دیگر نیز، در رقص باد حوادث دورتر و دورتر شد. چیزی نگذشت که توپخانه کلنل لیاخوف روس، به معاضدت عین الدوله و اشاره انگشت محمدعلی‌شاه، مجلس شورای ملی را نشانه گرفت. آتش توپخانه این مثلث، مجلس و ساختمان مجلس را از هم پاشاند و کرد آنچه به تکرار مکرر نوشته‌اند و خوانده‌ایم. وقت چندانی نگذشت که میدان از صاحبان ایده و آرمان مشروطه ستاندند و غاصبان نورسیده زمام کار را در چنگ گرفتند و سال‌ها گیر و دار هرج و مرج و آشوب و بی‌نظمی را بر گریبان ملک و ملت گره زدند. در مثل، مملکت را به دیگ عظیم آش نذری بدل کردند که هرکس به فراخور حال کاسه‌ای یا قدحی یا خمره‌ای از آن را نصیب خود می‌دانست. مشروطه و قانون اساسی مشروطه و معدود قوانینی که در عمر کوتاه دارالشورای ملی از تصویب نمایندگان نخستین پارلمان ایران گذشته بود، در کنج دنج قفسه‌ها باقی ماند و به زیرخاکی بدل شد. پس از بازگشایی مجلس شورای ملی، که دیگر نسبتی نه با مجلس دور اول داشت و نه با قانون اساسی مشروطه، درست ۱۰ سال پس از تصویب قانون مطبوعات، مجدداً در ۱۲۹۶ باز هم موضوع مطبوعات نظر دولت را به خود جلب کرد. این بار آشکارا و بی‌هیچ تعارف قانون اساسی مشروطه شکسته شد. در سندی که به نام «نظامنامه چهارماده‌ای مطبوعات» موسوم شد، صدور پروانه انتشار را هیات وزرا بر عهده گرفت و تصریح شد که «مادامی که قانون هیات‌منصفه از مجلس شورای ملی نگذشته است، شکایات راجع به مطبوعات بدون هیات منصفه در محاکم عدلیه رسیدگی و محاکمه خواهد شد...» حال آنکه به تصریح اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطه، رسیدگی به جرم مطبوعاتی باید با حضور هیات‌منصفه انجام می‌شد.

سیدفرید قاسمی محقق برجسته تاریخ مطبوعات ایران در کتاب سیر تاریخی مجموعه قوانین مطبوعاتی ایران می‌نویسد: ... در آستانه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ روزنامه‌نگاران ایرانی که دهه دشواری را پشت سر گذارده بودند، یک روز پیش از کودتا آخرین تذکر را از سوی سپهدار اعظم رئیس‌الوزرا دریافت کردند. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ که به وقوع پیوست، رئیس دیویزیون قزاق (رضاخان میرپنج) با عنوان حکم می‌کنم... چاپ کرد و دستور داد در سراسر تهران منتشر شود. در ماده چهارم این اعلان آمده بود: «تمام روزنامجات و اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت به کلی موقوف و بر حسب و حکم که بعد داده خواهد شد باید منتشر شوند.» قانون مطبوعات ۱۲۸۶ اگرچه ۴۵ سال عمر کرد و تا تصویب لایحه قانونی مطبوعات توسط مرحوم دکتر مصدق، با وجود تصویب برخی اصلاحیه‌ها، به اعتبار خود باقی ماند، اما تقریباً هیچ‌گاه صورت واقعیت به خود نگرفت و در جریان فعالیت مطبوعاتی کشور نشانی چندان از خود باقی نگذاشت. زندگی مطبوعاتی ایرانی بسیار بیش از آنکه تابع نظم و نسق حقوقی قانون اساسی مشروطه و متمم آن و قانون مطبوعات باشد، ناچار از آن بود که در میدان پرکشاکش سیاست قاهر، به اجبار از خواست‌ها و الزامات شخصی حاکمان تبعیت کند. شخصیت محرمعلی‌خان، امربر سرتیپ رکن‌الدین مختاری (سرپاس مختار- رئیس شهربانی در سال‌هایی از دوران رضاشاهی)، که مستقیماً در دفتر نشریات پایتخت حاضر می‌شد و همراه با کشیدن چند نخ سیگار بی‌فیلتر و نوشیدن چند استکان چای قندپهلو، دانه‌دانه اخبار و یادداشت‌ها و مقاله‌ها و تیترهای نشریات را، با همه کم‌سوادی آشکارش، شخصاً می‌خواند و قیچی و سانسور می‌کرد، نماد دقیق نظام امر و نهی حاکم بر فعالیت مطبوعاتی در آن دوران است. به حکم قواعد ساده حقوق وقتی قانون اساسی هست، مجلس هست، قانون هست و... باید این قانون مطبوعات می‌بود که به مطبوعات امر کند چه بنویسند و آنها را نهی کند از اینکه چه چیزهایی را منتشر نکنند نه اراده رضاشاهی که از امریه‌های نظمیه و شهربانی سرپاس مختار صادر می‌شد و با دود سیگار محرمعلی‌خان به روزنامه و روزنامه‌نگار ابلاغ می‌شد. باری، قانون مطبوعات ۱۲۸۶، خیلی زودتر از آنکه جوهرش خشک شود از حیز انتفاع ساقط شد و جز صورتی بی‌رمق از آن نماند. چنان‌که همین بلا بر سر قانون اساسی مشروطه و متمم آن نیز آمد و کمابیش، به شکل‌های مختلف بر سر بسیاری از نهادهای عمومی مندرج در قانون اساسی که خصوصاً با مفهوم آزادی ملت سر و کار داشتند و کار به جایی رسید که جز پوسته‌ای نازک و شکننده از آن نظام حقوقی که در قانون اساسی مشروطه آمده بود باقی نماند. به عبارت بسیار ساده، در حالی که قانون اساسی مشروطه و متمم آن بر آزادی مطبوعات تاکید داشت و قانون مطبوعات سال ۱۲۸۶ نیز تلاش بر تعریف حقوقی و استقرار آزادی مطبوعات داشت، اما در واقعیت بیرونی، اهداف صریح و ضمنی قانون محقق نشد و حقوق و آزادی مطبوعات در عمل، چون بید لرزان مدام شاخه می‌تکاند و قلع می‌شد. چرا؟

سنت اندیشه روشنفکری ایرانی، معمولاً پاسخ به این پرسش را به امر سیاسی محض محدود می‌کند. در پی انقلاب مشروطه، دربار قدرت قجری در مقابل دولت مشروطه ایستاد و با سرکوب نظامی و سیاسی مانع از پیشرفت اهداف مشروطه‌خواهان شد و پس از یک چند هرج و مرج سیاسی- اجتماعی و نهایتاً برآمدن رضاشاه، حکومت استبداد بازسازی شده و در خلال آن، نهادهای مشروطه، از جمله آزادی مطبوعات و مقررات آن در محتوا تعطیل و معطل شد. اما نکته اینجاست که چرا و چگونه آن نیروی پرقدرت مشروطه‌خواهان که بالاخره بر دربار قاجار چیره شد، فقط دو سال بعد از فرمان مشروطیت و تصویب قانون اساسی مشروطه و افتتاح مجلس شورای ملی و وضع قوانین مدرن و اغلب دموکراتیک، با همه تقلاها و سختی‌ها و رنج‌ها و مبارزات صادقانه نتوانست خود را بر سریر نگه دارد. خیلی زودتر از آنچه می‌شد تصور کرد، همان استبداد شکست‌خورده پیشین با صورت‌بندی کمابیش متفاوت احیا شد و سلطه یافت؟ اگر برای استقرار و بسط مشروطه و نهادهای مشروطه از قبیل پارلمان و آزادی و آزادی مطبوعات و...، صرفاً خواست و گرایش ترقی‌خواهان و قانون بسنده بود، مشروطه‌خواهان با فرمان مشروطه و وضع قانون اساسی و قوانین عادی به این وسایل دست یافته بودند. تفنگ مجاهدان مشروطه نیز در کنار آنها بود. این وضعیت ظاهری، حکایت از برتری مشروطه‌خواهان در موازنه قدرت داشت. اما باز هم در بر همان پاشنه قدیم چرخید و شد آنچه شد.

مساله این است که آزادی مطبوعات، همان‌گونه که دیگر نهادهای حقوقی و به ویژه نهادهای حقوق اساسی، نمی‌تواند که ارتجالی و دفعی و فقط با وضع قانون ایجاد شود. قانون، خالق چیزی نیست. قانون نمی‌تواند مستقل و منتزع از واقعیات اجتماعی و مناسبات و روابط عمیقاً تاریخی حاکم بر جامعه، روابط و مناسباتی را تعیین و وضع کند که برای جامعه بیگانه و ناآشناست، چنین قوانینی محکوم به شکست‌اند. قانون زمانی شکست‌خورده محسوب می‌شود که نتواند مناسبات و روابطی را که در متن خود طرح و تعریف کرده است به زندگی اجتماعی وارد کند و جامعه مطابق با آن الگوی رفتاری که در قانون آمده است عمل نکند. از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که برای این دست از قوانین نمایان است، عدم تقاضا و فشار اجتماعی برای اجرای آنهاست. قانونی که از دل مناسبات اجتماعی و نیازهای عمومی برنیامده باشد و مفاهیم آن در ادراک عمومی فهم نشده باشد، بیگانه از جامعه باقی می‌ماند. هیچ نظام اجتماعی برای قانونی که با آن احساس بیگانگی می‌کند (مانند هر امر بیگانه دیگر) نه تقاضایی دارد و نه فشاری تولید می‌کند. آزادی مطبوعات، تابعی از متغیر آزادی‌های عمومی است. آزادی‌های عمومی نیز امری است که بر اثر بسط و دگرگونی در حوزه گستره امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و... به تدریج شکل می‌گیرد. تجربه اروپایی آزادی مطبوعات نیز کاملاً نشان‌دهنده این ارتباط است. در اروپا، این قوانین نبودند که به صورت دفعی و ارتجالی، مبدع و موجب پدیداری آزادی‌های عمومی، از جمله آزادی مطبوعات شدند. بلکه به عکس پس از تحولات گسترده و متنوعی که از قرون ۱۴ و ۱۵ به بعد، در همه عرصه‌های زندگی در اروپا رخ داد، میل به آزادیخواهی و خصوصاً آزادی بیان در بطن جامعه و مناسبات اجتماعی رو به فزونی گرفت و مطبوعات به عنوان مهم‌ترین وسیله بیان به آرامی و در طول نزدیک به ۲۵۰ سال رشد کردند.

نهاد مطبوعات اگرچه برای مجلس مشروطه از چنان اهمیتی برخوردار بود که به سرعت از یک قانون خاص برخوردار شد، اما نهادی است که در آن عصر، پیش و بیش از هر چیز در چرخه‌ای بسته از سرآمدان همان دوران گردش دارد. اگرچه در سال‌های پرتب و تاب مشروطه، خواندن روزنامه برای گروه گروه افراد بی‌سواد توسط یک نفر در جاهای عمومی مثل قهوه‌خانه‌ها برای مدتی رواج یافت، و شنیدن و خواندن حرف و سخن دل از میان جراید، جاذبه‌ای شیرین برای مردم یافته بود، اما مطبوعات به عنوان پدیده‌ای مدرن، که همانند بسیاری دیگر از نهادهای مدرن، تقریباً به یکباره به جامعه ایران وارد شده بود، فاقد آن ریشه و پیوند عمیق با جامعه بود که موجب مقاومت جامعه در برابر دولت و به واسطه تعرض دولت به آزادی مطبوعات شود. مشابه همین وضعیت در مورد نهادهای حقوقی مدرن دیگری از جمله پارلمان هم در آن عصر قابل مشاهده است.

طرفه آنکه کمی بعد از هیاهوهای سال‌های مشروطه، زمانی که رضاخان با برنامه‌های جدید خود، به نهادهای سنتی حمله برد، بیشترین مقاومت‌های عمومی را برانگیخت. مبارزات عمیق عشایر در مقابل مقررات و سیاست تخت قاپو (یکجانشین) کردن عشایر یا کشف حجاب یا... از این شمارند. از این نمونه‌ها فراوان است.

به عبارت دیگر در آن سال‌ها در حالی که جامعه در زمان برخورد سرکوبگرانه با نهادهای دموکراتیک جدید واکنشی تقریباً منفعل داشته و مقاومت صرفاً در بخش‌های کوچکی از سرآمدان محدود می‌شود، اما آنگاه که به تقابل با نهادهای دیرآشنای سنتی می‌رسد، شیوه‌های متعدد مقاومت مستقیم در برابر دولت را در پیش می‌گیرد. این سخن اصلاً از باب تقدیس نهادهای سنتی و تقبیح نهادها و مناسبات مدرن نیست، بلکه چیزی است که در عالم واقع اتفاق افتاده است.

قانون مطبوعات مصوب ۱۲۸۶، چونان بسیاری دیگر از نهادهای حقوقی اساسی عصر مشروطه به اجرا درنیامد نه فقط به این جهت که حکومت و قدرت چکمه‌های استبداد محمدعلی‌شاهی و رضاشاهی آن را لگدکوب کرد، که کرد، بلکه به این علت عمیق‌تر که نهاد مطبوعات هنوز نتوانسته بود در زندگی روزمره جامعه ایرانی، به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر نیازهای زندگی ایرانی ریشه بدواند. بی‌تردید وضع قانون مطبوعات در سال ۱۲۸۶، کاری درست و بجا بود. شاید این را هم بتوان گفت که بلایی که بر سر مطبوعات و قانون مطبوعات در آن عصر آمد، در آن شرایط، اجتناب‌ناپذیر بود. در هر حال آنچه گذشته، امروزه گوشه‌ای از تاریخ است. مهم این است که اگر چیزی در زندگی و فرهنگ مردم و مناسبات اجتماعی و نیازهای عمومی استقرار نیافته باشد، قانون نمی‌تواند به بقای آن کمک چندانی کند. این قانون نیست که جامعه را می‌سازد بلکه جامعه است که به قانون حیات و روح و معنا و قدرت می‌بخشد. قانون مطبوعات ۱۲۸۶ ایران یکی از صدها نمونه قوانین مدرنی است که خصوصاً در قلمرو حقوق اساسی گردنه تند و دشوار چگونگی سازگارسازی نهادهای جدید و ساخت‌های حقوقی مدرن با مناسبات اجتماعی سنتی را به نمایش می‌گذارد؛ گردنه‌ای که تاکنون بسیاری از قوانین را در خود متوقف کرده است.

مشایی ضمن انتقاد از معترضان به «مکتب ایران»:

امروز نام ایران در دنیا معادل نام علی(ع) است

گروه سیاسی: در شرایطی که «کیهان» در سرمقاله روز گذشته خود بر لزوم برکناری اسفندیار رحیم‌مشایی از دفتر رئیس‌جمهوری تاکید کرد مشایی بار دیگر توضیحاتی درباره «مکتب ایران» داد. با گذشت پنج روز از اظهارات رئیس دفتر رئیس‌جمهور مبنی بر «مکتب ایران» که مورد اعتراض برخی از رسانه‌ها و چهره‌های اصولگرا واقع شد، از سویی مشایی اظهاراتش را با زبانی دیگر مطرح کرد و از سوی دیگر «مهدی ایمانی» در سرمقاله روزنامه کیهان به مشایی خرده گرفت و درباره او شش احتمال داد. به نوشته این روزنامه، مشایی یا مدیری کارآمد و خدمتگزار است که در حق او جفا شده یا فردی است که از شدت دوستی و اخلاص خود را وقف رئیس‌جمهور کرده است. کیهان با بیان اینکه «احتمال سوم این است که او با حاشیه‌سازی می‌کوشد باری از دوش رئیس‌جمهور و دولت بردارد و سپر بلا شود»، نوشت: «احتمال چهارم نزدیک به احتمال سوم اما اندکی متفاوت است. مشایی به عمد می‌کوشد میان رئیس‌جمهور و جبهه اصولگرایان «تمایز» قائل شود و نشان دهد احمدی‌نژاد تافته جدابافته است تا شاید به این ترتیب دل دیگرانی به دست آید. وجه خوشبینانه ماجرا این است که باید «دیگران» را دریابیم، اصولگرایان که سر جای خود هستند.» به نوشته این روزنامه «احتمال پنجم معتقد است مشایی یک سوءتفاهم بزرگ برای رئیس دولت است و مثل یک انسان ناشی، هزینه می‌تراشد.» کیهان سپس با تاکید بر اینکه «احتمال ششم آقای مشایی را با توجه به مختصات فکری و شخصیتی وی، بخشی از جریان «نفوذ» می‌داند، صرف نظر از اینکه آگاهانه یا ناآگاهانه و با واسطه باشد»، حضور او در دفتر رئیس‌جمهور را نادرست توصیف کرد. اما در مقابل مشایی کوتاه نیامد و البته در موضعی ملایم‌تر درباره مکتب ایران توضیحاتی ارائه کرد. به گزارش ایسنا وی که در مراسم تجلیل از خبرنگاران سخنرانی می‌کرد با بیان اینکه «انقلاب اسلامی ایران و مکتب ایران یک انقلاب و مکتب حسینی است»، اظهار کرد: تعجب می‌کنم که چرا عده‌ای حوصله ۲۴ساعته‌ای به خرج ندادند تا ببینند که در این خصوص چه گفته شده و سپس تحلیل کنند. هر چند شاید جای تعجب هم نداشته باشد. مشایی با بیان اینکه «امام خمینی(ره) مظهر تفکر اهل بیت(ع) است»، گفت: وی یک فرد ایرانی است. امروز نام ایران در دنیا معادل نام علی(ع) است و نه سلسله‌های اموی و عباسی. امویان و عباسیان پایه‌گذار انحراف در دین اسلام بودند و اگر بخواهیم حقیقت اسلام را به دنیا عرضه کنیم باید پرچم ایران را بالا ببریم چراکه ایران امروز داعیه‌دار انسان ناب است.

وی با تاکید بر اینکه «اگر نام ایران را برداریم دنیا از اسلام چیزی نمی‌فهمد»، اظهار کرد: غربی‌ها از دیگر کشورهای اسلامی نمی‌ترسند اما از ایران هراس دارند چراکه حقیقت اسلام همان است که در ایران است و این همان اسلامی است که محفل‌نشینی با شیاطین و ظلم را در هیچ نقطه‌ای از جهان برنمی‌تابد. مشایی با تاکید دوباره بر اینکه «امروز بدون نام ایران حقیقت اسلام ناب گم می‌شود»، یادآور شد: آنها تلاش می‌کنند بگویند اسلام همان است که در دیگر سرزمین‌های اسلامی ارائه می‌شود اما ما ادعای دیگری داریم و معتقدیم اسلام منهای اهل بیت(ع)، اسلام نیست. رئیس دفتر رئیس‌جمهور با بیان اینکه «پرچم ایران نمایانگر عدالت علی(ع)، عشق به اهل بیت(ع)، حکمت و غیرت و عزت دینی است»، تاکید کرد: بدون نام ایران چهره واقعی اسلام در دنیا قابل عرضه نمی‌شود.

مشایی با بیان اینکه «غربی‌ها برای معرفی اسلام به دنیا تصاویری از لباس‌های سیاه و خاک‌آلود و خانه‌های ویران را در یک کشور همسایه ایران به دنیا عرضه می‌کنند»، تاکید کرد: هر روز ده‌ها و صدها خبر ناگوار از کشورهای اسلامی مخابره می‌شود و طبیعی است که این القا به وجود می‌آید که این نوع زندگی و نگاه به دنیا ناشی از دین اسلام است و همین مانع نفوذ اندیشه‌های الهی اسلام به قلب جهانیان می‌شود. رئیس دفتر رئیس‌جمهور تاکید کرد: ما ماموریت داریم به دنیا بفهمانیم که اسلام ایرانیان اسلامی متفاوت، روشنگر، فرصت‌ساز، زندگی‌پرداز و آینده‌ساز است و ظلمت و ستم را برنمی‌تابد. اسلام ایرانیان، علم را توسعه و به دانش و اندیشمندان بها می‌دهد و سرزمین ایران سرزمینی اسلامی است که تصویر خود را به دنیا ارائه می‌دهد. وی در بخش دیگری از اظهاراتش به روز خبرنگار اشاره کرد و با بیان اینکه «کار خبرنگاری مشابه کار انبیاست» به مترادف بودن کلمه نبی و خبردار اشاره کرد و افزود: تا خبر نداشته باشیم، نمی‌توانیم خبرنگار باشیم هر چند اسم خبرنگار ناظر بر ثبت خبر است. برای آنکه رویداد در ذهن جامعه نمیرد خبرنگار اقدام به ثبت اخبار می‌کند و این اقدام مقدمه ابلاغ به جامعه است. وی با اشاره به اینکه «پیامبران مقامات و ماموریت‌های یکسانی نداشتند»، خاطرنشان کرد: جایگاه انبیا نسبت به ماموریت‌شان متفاوت بود و هر پیامبری که ماموریت دشوارتری داشت از جایگاه بالاتری نیز برخوردار بود. مشایی ادامه داد: من نمی‌توانم ارزیابی دقیقی از مکانیسم وحی به قلب پیامبران داشته باشم و فکر نمی‌کنم کسی چنین توانایی را داشته باشد اما آنقدر متوجه می‌شویم که قطعاً میزان خبرداری پیامبران با میزان ابلاغ خبرشان متناسب است.

رئیس دفتر رئیس‌جمهور تاکید کرد: ماموریت انسان این است که جانشین خداوند باشد، تصمیم بگیرد و اراده کند؛ بنابراین حوزه انسان‌ها خداوند است و انسان به جای خدا نشسته است. بر این اساس ماموریت انسان یک ماموریت لایتناهی است و ابعاد محدودی ندارد. حال این پرسش مطرح می‌شود که چنین جایگاهی نیاز به چه میزان از علم و خبر دارد؟

رئیس دفتر رئیس‌جمهور اظهار کرد: جنس خبر در جهان‌بینی توحیدی و اسلامی متفاوت از کشورهای دیگر جهان است. مکتب ایران به معنای جهان‌بینی شیعی است و در چنین شرایطی اگر کسی ادعا کند خبرنگار می‌تواند تا جایی ارتقا یابد که وی را از جنس انبیا بدانیم، گزاف نگفته است. تنها تفاوت این است که انبیا خبر را از یک منبع اصلی یعنی خداوند دریافت می‌کنند و خبرنگاران از منابع خبری دیگر، اما موضوع و ماموریت کاری هر دو یکی است. اگر کسی در این حرفه ظرفیت خود را برای انتشار اخبار درست و در جهت میل به اهداف عالیه و برای انتشار نور به کار بگیرد، یکی از بزرگ‌ترین جلوه‌های عبادت را به منصه ظهور گذاشته است.

وی با تاکید بر اینکه «حتی در جامعه انقلابی و ولایی ایران نیز کسانی هستند که در عرصه خبر زیر نفوذ بیگانگان قرار گرفته‌اند»، اظهار کرد: متاسفانه اخباری در برخی رسانه‌ها وجود دارد که در راستای تحقق همین منویات است و عده‌ای با حرکت در خط شیطانی آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

توضیحات ثمره درباره سخنان مشایی

مجتبی ثمره‌هاشمی در پاسخ به سوالی درباره اظهارنظر رحیم‌مشایی در مورد مکتب ایران و واکنش‌ها به آن گفت: در این باره از خود آقای مشایی سوال کنید، حتماً توضیح خواهد داد. دستیار ارشد رئیس‌جمهور در برنامه صبح بخیر ایران گفت: منظور آقای مشایی از مکتب ایران یعنی مکتبی که در آن انقلاب اسلامی حضور دارد و همچنین مکتبی که جمهوری اسلامی و اسلام علوی و ولایی را عرضه می‌کند. وی افزود: اگر قرار باشد حقیقت واقعی مکتب ایران را بیان کنیم، از منظر بیانی که وی در این باره داشته مکتب ایران مکتبی است که می‌تواند نجات‌دهنده باشد و اگر این موضوع را با این مفهوم تفسیر و تعبیر کنیم، حرف درستی است.ثمره‌هاشمی ادامه داد: امروز اسلام حقیقی از ایران طلوع کرده و حکومت در ایران نیز جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت است.وی گفت: مکتب ایران بهترین مکتبی است که می‌تواند بشریت را نجات دهد اما اگر این صرفاً معطوف به آن باشد که ایرانی هستیم و تعصبات قومی از خود نشان دهیم، آنگاه مانند بقیه می‌شویم. ثمره‌هاشمی در پاسخ به سوال مجری درباره ارزیابی وی از واکنش‌های طرح‌شده درباره سخنان مشایی هم افزود: در این باره از خودشان سوال کنید.

یادبود قربانیان فاجعه اتمی هیروشیما و ناکازاکی

نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مراسم یادبود قربانیان فاجعه اتمی هیروشیما و ناکازاکی در وین، بر عزم راسخ ایران در تحقق جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای تاکید کرد.

به گزارش مهر علی‌اصغر سلطانیه با اشاره به برگزاری نشست یادبود قربانیان حمله اتمی امریکا به هیروشیما و ناکازاکی در مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین بیان داشت: در این مراسم پیام آمانو مدیرکل آژانس که در ژاپن به سر می‌برد، قرائت شد.

وی همچنین با بیان اینکه سفیر ژاپن در وین از جمله سخنرانان نشست یادبود قربانیان هیروشیما و ناکازاکی بود، تصریح کرد: بنده نیز دقایقی مواضع اصولی کشورمان را در محکومیت هرگونه استفاده از تسلیحات هسته‌ای بیان کردم.

سلطانیه تاکید کرد: همچنین در این مراسم بنده به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران دو تابلوی نقاشی‌شده توسط یکی از هنرمندان جانباز جمهوری اسلامی ایران را که نمادی از ابعاد استفاده غیرصلح‌آمیز و ضدانسانی برنامه‌های هسته‌ای بود به رسم یادبود به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان منع جامع آزمایشات هسته‌ای که مقر هر دو آن در وین پایتخت اتریش واقع است، اهدا کردم.

بنا بر این گزارش، مراسم یادبود قربانیان سلاح‌های کشتار جمعی در هیروشیما و ناکازاکی با حضور سفرا و مقامات عالی‌رتبه کشورهای مختلف در وین برگزار شده است.

واکنش به خبر انتصاب نمایندگان ویژه رئیس‌جمهوری به جای سفرا

روز گذشته خبرگزاری مهر مدعی شد رئیس‌جمهوری ایران طی احکامی برخی افراد را به عنوان نمایندگان ویژه خود در خارج از کشور منصوب کرده است. این اقدام با هدف اعطای اختیارات بیشتر به سفرا و پیگیری ویژه و جدی‌تر موضوعات انجام شده است. با وجود آنکه اصل صحت این خبر توسط وزارت امور خارجه تایید یا تکذیب نشده است اما واکنش‌هایی در میان نمایندگان مجلس در پی داشت. یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در خصوص انتشار خبر این خبرگزاری، با ذکر این نکته که خبرگزاری مذکور متاسفانه در انتقال خبرها دچار خطای رسانه‌ای می‌شود، توضیح داد: در مراودات دیپلماتیک کشورها به ویژه حوزه دیپلماسی عمومی، معمولاً کشورهایی که برای برخی کشورهای دیگر دارای اهمیت ویژه هستند یا در موضوع خاصی که بین دو کشور حائز اهمیت است، اقدام به اعزام نماینده ویژه می‌کنند که این در حوزه دیپلماسی و عرف بین‌المللی امری مرسوم است. سیدحسینی نقوی‌حسینی در گفت‌وگو با «شرق» افزود: اما اینکه ما نمایندگان ویژه ثابت در همه کشورها اعزام کنیم یا سفیر را به نماینده ویژه ارتقا دهیم عرف بین‌الملل نیست و در حوزه دیپلماسی